

# غیاث الدین نقاش هروی و چشم دید او در چین در عصر سلطنت یونگ لو یکی از پادشاهان دودمان منگ

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

در قرن های ۱۵ و ۱۶ که در خراسان با ظهور دوره تیموری جنبشی محسوس در آبادی و معماری و نقاشی و ادبی بمیان آمد، هرات کانون رونیسانس گردید. درست در همین عصر و زمان دودمانی بنام «منگ» در چین به اقتدار رسید که مرکز مملکت داری خود را از جنوب به شهر «خانبالغ» یعنی «بیکن» حالیه انتقال داد و ایشان هم در دوره زمامداری خود یک دوره جدیدی را در نشو و نما و انبساط مظاهر هنری، معماری و ادبی بمیان آوردند که آثار آن در بیشتر نقاط چین هویدا است.

از حسن اتفاقات کسانیکه این دوره رونیسانس را در کشور ما و در کشور ختای یا چین بمیان آوردند، تعلقات دوستانه و مراودات فرهنگی را هم در میان خود قایم کردند و علاوه بر آشنائی های باستانی بار دیگر با رفت و آمد های ایلچیان و بسط تجارت و دید و وادید دانشمندان و هنرمندان به صبغه تمدن و فرهنگ یکدیگر آشنا شدند.

پنج و نیم قرن قبل یا دقیق تر بگوئیم بین سال های ۸۰۷ و ۸۲۵ هجری (۱۴۲۹ - ۱۴۴۷ م) که در افغانستان شاهرخ میرزا سر سلسله تیموریان هرات و در چین یونگ لو یکی از پادشاهان معظم خاندان منگ سلطنت داشت روابط دوستی خراسان (افغانستان) و دولت ختای یا چین عصر منگ برقرار شد.

شبه ئی نیست که بعد از فتوحات چنگیز در صحنه آسیا از پای کنگره های حصار «خانبالغ» (بیکن) تا پای دیوارهای ضخیم شهر هری تمام ساحه آسیا پامال سم ستوران مغل شد و در اثر حکم نافذ چنگیز و اولاده او یک نوع قدرت حاکمه در بین ساحه وسیع طوری پهن گردید که تعلقات بازرگانی و رفت و آمد ها را بدون خطر ساخت. این اوضاع کم و بیش تا اخیر عصر تیمور کورگان هم دوام داشت ولی مرکز ثقل قدرت تیموری در غرب آسیا و کانون نفوذ دودمان منگ چین در شرق قرار داشت.

بعد از مرگ تیمور نوبت مملکت داری در خاک های افغانستان به اولاده او رسید و «یونگ لو» یکی از امپراطوران دودمان «منگ» چین با ارسال پیام تعزیت به هرات در افتتاح روابط دوستانه با تیموریان هرات پیشقدم شد. هیئت حسن نیت و تعزیت چین به هرات به حضور شاهرخ میرزا پسر تیمور باریافت و از آنها

پذیرائی گرمی بعمل آمد. بدین ترتیب مفکوره استقرار روابط دوستانه بین هرات و خانبالغ به صحنه ظهور آمد. سائر شهزادگان تیموری، میرزا الغ بیگ که در سمرقند میبود و میرزا بایسنغر و امرای بدخشان همه با تصمیم دولت شاهرخ هرات در استقرار روابط دوستانه با چین همنوائی کردند و بدین ترتیب بعد از سال ۸۰۷ هجری قمری (۱۴۲۹م) هیئت های بازرگانی و تجارتي و حسن نیت میان هرات و خانبالغ مبادله گردید.

در سال ۸۰۷ هجری قمری که شاهرخ میرزا پادشاه هرات اعضای هیئتی را که میخواست به چین بفرستد، انتخاب کرد، پسرش بایسنغر میرزا هم بفرآه اعزام هیئتی افتاد که اعضای آن مرکب بود از: سلطان احمد و غیاث الدین نقاش هراتی. شهزاده تیموری به نقاش هراتی وظیفه داده بود تا چشم دید سفر خود را از روز حرکت از هرات تا پیکن و از آنجا در مراجعت تا هرات همه واقعات را روزمره یادداشت کند. نقاش هراتی طبق امر شهزاده این وظیفه را انجام داد و خوشبختانه خاطره ئی از این چشم دید ها را مولینا کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی در جزء اول جلد دوم اثر نفیس خویش، «مطلع السعدین»، قید کرده و یکی از دلچسپ ترین خاطره های تاریخی را که معرف ذوق و معلومات یکی از هموطنان ما در پنج و نیم قرن قبل میباشد، بما رسانیده است.

یادداشت های عبدالرزاق سمرقندی که خلاصه ئی از چشم دید و حکایات نقاش هروی را در کشور پهناور ختای (چین) معرفی میکند، حاوی مطالب بسیار قیمنداریست که مؤرخان و دانشمندان امروزی چین بدان سخت نیازمند اند. چهار سال قبل حین مسافرت به چین از این خاطره ها یادداشت هائی داشتیم که گاه و بیگاه با رجال و حلقه های فرهنگی چین در میان میگذاشتم و مشاهده می کردم که از شنیدن آن استصحاب بزرگی به آنها دست میداد.

غیاث الدین نقاش هراتی با سائر اعضای هیئتی که از طرف دربار هرات انتخاب شده بود و با خدم و حشم قافله بزرگ چندین صد نفری را تشکیل میداد، بین هرات و پیکن راه های طولانی بین این دو شهر را در رفت و آمد در طی سه سال طی کردند. نقاش هراتی در حدود پنج ماه در شهر خانبالغ پایتخت آنوقت چین و در سائر نقاط عرض راه در داخل شهر ها و معابد، در منازل، در داخل محوطه قصر ها و قلعه ها و مخصوصاً در داخل محوطه بزرگ قصر سلطنتی پیکن که تا حال موجود است چیزهای بسیار دلچسپی دیده و شنیده که بسیار آن هنوز مخصوصاً از نظر عمرانات تا حال موجود است.

دیوار بزرگ شهر خانبالغ (پیکن) که ۶۲ قدم عرض آنست، محوطه بزرگ هفتصد قدمی داخل دیوارهای ارگ شهر که مقابل قصر سلطنتی افتاده و همه سنگ فرش بود، تا حال موجود است.

یادداشت های غیاث الدین نقاش هراتی از نظر معرفی آبادی و مظاهر هنری چین آنوقت کمال اهمیت دارد. تعریفی که از تخت های سلطنتی، ادوات موسیقی، ظروف قشنگ چینی و فلزی و وضع تزئین تخت های پادشاهی و شمعدان ها و بخورشورها، و دهل ها و کرناها و غیره کرده همه آن در عمارت های مختلف داخل ارگ پیکن که امروز به موزه ملی آنکشور تبدیل شده است، به چشم میخورد.

روابط افغانستان عصر تیموری و چین عصر منگ که نبض مختصری از آن را فوقاً ذکر کردم در قرن های ۱۵ - ۱۶ انبساط زیاد یافت و در اثر رفت و آمد تجار و کاروان ها تأثیرات فرهنگی متقابل میان دو کشور بعمل آمد. موسیقی افغانستان در موسیقی چین تأثیر کرد و فن نقاشی چین و کاشی سازی آن به افغانستان تأثیر نمود چنانکه در آثار نقاشان هرات مخصوصاً در طرح شکل ابرها در یک صحنه نفوذ چینی به وضاحت دیده میشود. / ۱ جوزا ۱۳۴۱ /